



فاطمیه هویت تشیع است/ اهمیت و ضرورت بزرگداشت فاطمیه

حجت الاسلام کاشانی گفت: فاطمیه هم از نظر اعتقادی مولفه اصلی هویت تشیع بوده است و هم از لحاظ مناسکی. این مسئله اگر از بین برود شیعه دچار استحاله خواهد شد.

حجت الاسلام کاشانی گفت: فاطمیه هم از نظر اعتقادی مولفه اصلی هویت تشیع بوده است و هم از لحاظ مناسکی. این مسئله اگر از بین برود شیعه دچار استحاله خواهد شد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: تنها راه رسیدن به حقیقت توحید دستیابی به حقایق و اسرار قرآن است. امام باقر(ع) می فرمایند قرآن در سینه آنهایی است که خداوند به آنها علم الهی اعطا فرموده است. اما غیر از اهل بیت چه کسی می تواند ادعا کند که حامل حقائق قرآن است؟ مگر کسی می تواند قرآن را تحمل کند؟ پیامبر فرمود باید یک سلمانی پیدا شود که بار ما را بردارد. اگر رشته ما با امام امت قطع شود باب هدایت خداوند متعال بسته می شود. آن وقت قرآنی که هدایتگر است گمراه کننده می شود.

پیامبر فرمود: «أَنْتِ تَارِكٌ فَيْكُمُ الْإِقْلِينَ كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدًا لن یفترقا حتی یردا علیّ الجوض» یعنی حضرت وقتی از میان ما رفتند ادامه وجود مبارکشان در این دو نور حقیقت باقی می ماند. اگر ارتباط ما با این دو رشته قطع شد، ارتباط ما با نبی مکرم قطع شده است.

آیه نور ناظر به خلقت و هستی نیست بلکه ناظر به جریان هدایت است. «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَبْرُكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ ۖ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ تَوْرُ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ يَكُلُّ شَيْءٌ ۖ عَلِيمٌ».

نور پیامبر در حضرت فاطمه تجلی پیدا کرده است. حضرت فاطمه(س) عالم را به مدار خودش برگرداند و حجابی که بین امام و امت بود را برداشت.

به مناسبت شهادت حضرت صدیقه طاهره(س) در گفتگو با دوتن از کارشناسان دینی کشورمان به بررسی موضوع اهمیت و ضرورت بزرگداشت فاطمیه پرداختیم که در ادامه می خوانید؛

حجت الاسلام کاشانی در مورد اهمیت فاطمیه گفت: اگر مقابله حضرت زهرا با جریان نفاق نبود، تقریباً هیچ نشانه جدی برای مخالفت امیرالمومنین با آن جریان نفاق در اسناد تاریخی وجود نداشت. یعنی فاطمیه و قیام حضرت زهرا(س) مانترین سندی است که نشان می دهد در اسلام دو تفکر وجود داشت، نه یک تفکر. چون همانطور که مستشرقین گفته اند در سال های مثلا ۱۱ و ۱۵ و ۲۰ یا ۲۲ هجری مردم همه یکجور بودند و هیچ تفاوت ظاهری با هم نداشتند. در مسجد همه به یک شکل نماز می خوانند و خلیفه امام جماعت است. هیچ صدای مخالف رسمی و جدی وجود ندارد. گاهی اجازه می دادند مخالفت های کوچکی در اعتراض به برخی والی های مختلف صورت گیرد اما اینکه رسماً ایدئولوژی آنها نقد شود، کسی چنین جرئتی نداشته و با او برخورد می شده است. مثلاً سعد ابن عبادیه بیعت نکرد و وقتی به شام رفت خالد بن ولید او را کشت و گفتند جنیان او را کشتند و یا به تیر غیب گرفتار شد. یا مثلاً ام سلمه یکسال از حقوق بیت المال منع شد. یعنی فضای اینکه کسی مخالفت کند وجود نداشت و کسی این کار را نمی کرد. جمعیت طرفداران اعتقادی امیرالمومنین هم به شدت کم بود. اینها نیز به دلایلی مثل تقیه و شرایط آن روز مخالفت خود را ابراز نداشتند.

وی ادامه داد: هر چه می گذشت تفاوتی بین مردم دیده نمی شد تا ماجرای قتل عثمان. در قتل عثمان فضا دوقطبی شد و یک عده طرفدار امیرالمومنین(ع) شدند و حضرت را نه به عنوان امام معصوم بلکه به عنوان فردی که بهترین گزینه برای خلافت است انتخاب کردند. عده ای هم جریان اموی ها شدند و عده کمی هم به جریان زبیری ها پیوستند. عده ای از طرفداران امیرالمومنین(ع) در آن زمان، حضرت را از نظر سیاسی قبول داشتند و اولی و دومی را از آن حضرت بالاتر می دانستند و وقتی امیرالمومنین(ع) قاضی القضاات کوفه را عزل می کند به ایشان اعتراض می کنند و می گویند او را عمر منصوب کرده و تو حق نداری او را عزل کنی.

وی افزود: در این میان برای اینکه مبانی فکری آن عده قلیل که طرفدار اعتقادی امیرالمومنین بودند با دیگران مشخص شود، امیرالمومنین(ع) گاهی اشاره به آن روز اختلاف می کردند. مثلاً در نامه ای که به عثمان ابن حنیف می نویسند در جایی که کاملاً بی ارتباط با موضوع است به این مطلب اشاره می کنند. وقتی می خواهند به عثمان ابن حنیف بگویند که چرا در مهمانی ثروتمندان شرکت نموده ای می فرماید امام تو منم، من در این دنیا هیچ ندارم و تنها دو قرص نان دارم و... یک فدکی داشتیم که یک عده خساست به خرج دادند و یک عده سخاوت کردند که بهترین حاکم خداوند است. یعنی خدا یک روز حکمیت خواهد کرد. چرا حضرت مثال فدک را می زند؟ چون فدک رمز آن اختلاف است.

کاشانی گفت: این مسئله در دوران ائمه بعدی هم مطرح است. نمونه های فراوان آن این است که بنی امیه چندین بار فدک را پس می دهند که از افکار عمومی نجات پیدا کنند. گرفتن فدک رمز حقانیت است، لذا پس از مدتی حکومت می دید که ضرر کرده است و گویا اصل آن اختلاف را پذیرفته اند لذا دوباره آن را پس می گرفتند. امام رضا(ع) در نامه محض الاسلام به مامون که توضیح می دهند اسلام ناب چیست، یکی از آن رئوس کلی اسلام را برائت از غاصبین ارث خود می خوانند. کما اینکه امیرالمومنین(ع) در نهج البلاغه می فرماید «أَرْكَى ثَرَايِي تَهْبًا». این برائت از غاصبین ارث، اسم رمز است و در زیارات و روایات مطرح می شود.

این کارشناس دینی اظهار داشت: در زیارت جامعه هم به والغاصبین لارثکم اشاره شده است. لذا اهل بیت نمی گذارند از این مسئله تنش زدایی شود. چون این مسئله رمز اختلاف است. ما که امروز به جهاتی داریم با سایر مسلمین تعامل می کنیم به این معنی نیست که اصل آن اختلاف را فراموش کرده باشیم.

وی گفت: لذا اولین نقطه در تمام مناظره ها بحث حضرت زهرا(س) بوده است. قبر پنهان و دلیل شهادت و دفن شبانه آن حضرت سوالاتی است که طرف مقابل ما نمی تواند به آن پاسخ دهد. این امر هم از نظر اعتقادی مولفه اصلی هویت تشیع بوده است و هم از لحاظ مناسکی. یعنی شیعیان نشست های دسته جمعی و عزاداری داشته باشند. الان یک مقابله جدی که با ما می شود این است که این امر رسماً به شعائر تبدیل شده و بصورت دسته جمعی است و حتی در بیت رهبری در بالاترین سطح دینی و سیاسی کشور، رسماً مجلس برگزار می شود، ولو اینکه سعی می کنند ادب را حفظ کنند، اشاره به اختلاف و مظلومیت گذشته می کنند. این مسئله اگر از بین برود شیعه دچار استحاله خواهد شد.

چون حقی غصب شده که هنوز برگردانده نشده است. از این جهت فاطمیه جز ناموس عقائد ما محسوب می شود. حجت السلام ریاضت نیز در مورد اهمیت و ضروت بزرگداشت فاطمیه گفت: این سوال از دوجبهت قابل پاسخگویی است؛ اول اینکه اقامه شعائر فاطمی مصداق تعظیم شعائر الهی است که به تعبیر قرآن حکایت از تقوای قلب دارد. «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» این حکایت از تقوای قلب کسانی دارد که شعائر الهی را بزرگ می دارند. ما معتقدیم تولی و تبری جز واجبات اعتقادی ماست، پس اقامه شعائر فاطمی هم مثل اقامه شعائر بقیه اهل بیت است. همان استدلال هایی که برای اقامه شعائر حسینی داریم برای شعائر فاطمی هم داریم.

وی ادامه داد: امام باقر(ع) فرمود «إِنْ فَضْلَ أَوْلَانَا يَلْحَقُ بِفَضْلِ آخِرِنَا، وَفَضْلُ آخِرِنَا يَلْحَقُ بِفَضْلِ أَوْلَانَا» آنچه در مورد اولین ما از اهل بیت صادق است برای آخرین ما نیز صادق است. ما در زیارت جامعه می خوانیم «تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ يَمَّا تَوَلَّيْتُ يَهُ أَوْلَكُمْ»، یعنی آن تولایی که نسبت به اولین اهل بیت که پیامبر اکرم است، داریم نسبت به آخرین اهل بیت که امام زمان(عج) می باشد نیز داریم. مقام معظم رهبری می فرمایند شما اهل بیت را ۱۴ فرد نبینید، این یک انسان ۲۵۰ ساله است. این ۱۴ نفر یک حقیقت اند و «کلهم نور واحد» هستند.

وی افزود: البته تصریحاتی در مورد بعضی از ائمه داریم و این به خاطر جلوه خاصی است که در یک بحران و یا اتفاقی خاص رخ داده است. پس ما می توانیم نتیجه بگیریم شعائر حسینی فرقی مثلاً با شعار فاطمی یا حسنی ندارد. منتهی به خاطر یک ویژگی خاصی که دوره امام حسین بروز کرده، تصریحاتی وجود دارد. مثلاً امام رضا(ع) می فرمایند برای من گریه کنید. این توصیه قبل از شهادت ایشان بوده است. در زیارتنامه آن حضرت داریم که «السلام علی من أمر أولاده و عیاله بالنیاحه علیه قبل وصول القتل الیه» حضرت قبل از شهادتشان فرمودند برای غربت من گریه کنید و به دعبل در آن شعر معروف فرمود از قبری که در طوس است آتش در دلها به وجود می آید که تا قیامت شعله می کشد. یعنی اینکه ما در عزای امام رضا(ع) تا قیامت باید دلهایمان آتش بگیرد. این عین جمله ای است که برای امام حسین داریم، «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا» عین این جمله را امام رضا به دعبل فرمودند که به شعر دعبل اضافه فرمودند.

وی ادامه داد: همانطور که به شعائر حسینی پرداخته می شود باید به شعائر سایر ائمه به طور خاص شعائر فاطمی پرداخته بشود. این حرف من نیست. این حرف را با استفاده از فرمایش بزرگان می گویم. علامه امینی با یکی از بزرگان اهل سنت مناظره ای داشتند، از ایشان سوال می شود شما را چه شده که برای محرم دو ماه عزاداری و گریه می کنید؟ مرحوم علامه امینی فرموده بودند که کلاهی که فاطمیه به سر ما رفت در محرم نخواهد رفت. لذا ما اگر فاطمیه را مثل عاشورا زنده نگه داشته بودیم، عاشورا پدید نمی آمد.

ریاضت گفت: علامه امینی در الغدیر می فرمایند: من دوست داشتم سالها از خدا عمر می گرفتم و فقط برای غربت امیرالمومنین گریه می کردم. می خواهم بگویم اگر ما چهل روز برای غدیر جشن می گرفتیم، فاطمیه درست نمی شد. باید این اربعینی که برای امام حسین می گیریم، برای غدیر بگیریم. یعنی عدم شناخت غدیر باعث ایجاد فاطمیه شد و بزرگ نشدن فاطمیه سبب اتفاق عاشورا شد.

این کارشناس دینی گفت: بعد از عاشورا دشمن در شهادت هر یک از اهل بیت سیاسی کاری می کند و مثلاً برای حفظ ظاهر در تشییع جنازه آن حضرات شرکت می کردند. مثل هشام ابن عبدالملک مروان در تشییع جنازه امام باقر و یا منصور دوانیقی در تشییع جنازه امام صادق و...

ریاضت افزود: از این جهت فرقی برای اهل بیت نیست. ولی از جهتی من می گویم شعائر فاطمی طبق روایات بالاتر از شعائر حسینی است. امام صادق(ع) فرمود: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ مُحْتَنًا بِكَرْبَلَا» هیچ روزی برای وی ادامه داد: ما اهل بیت مثل روز محنت ما در کربلا نیست. اما حضرت در ادامه می فرمایند «وَإِحْرَاقُ اللَّثَارِ عَلَى بَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ قَاطِمِهِ وَ ... مُحَسَّرَ بِالرَّفْسَةِ أَعْظَمَ وَ أَدْهَى» اما اتفاقی که برای مادر ما افتاد هم سخت تر است و هم بزرگتر. ما در زیارت عاشورا می گویم مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيئَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ... لذا این نشان می دهد که شعائر فاطمی بسیار با اهمیت است و سیره بزرگان ما نیز همین بوده است. خود مقام معظم رهبری سردمدار احیای شعائر فاطمی اند.

وی گفت: اما آنچه که باید هدف از شعائر فاطمی باشد این است که در راس آن احقاق حق و ابطال باطل است. ما می خواهیم بگویم انسان نمی تواند بین حق و باطل موضعی نداشته باشد. ما می خواهیم استمرار درگیری حق و باطل را نشان دهیم. امروز تکفیری ها با عَلم «نحن ابناء یزید» برخاسته اند، لذا باطل از روزی که شروع شده است پیروان خود را دارد. کشورهای غربی در حمایت از این گروه ها در واقع از تفکر ۱۴۰۰ سال پیش یزید حمایت می کنند. ما می خواهیم بگویم که ریشه درگیری حق و باطل در مدینه است.

ریاضت افزود: عمار نقل می کند که دیدم امیرالمومنین(ع) در جنگ صفین شمشیر می زند ناگهان دست از شمشیر زدن کشید و سر بلند کرد و فرمود: «آه آه شوقاً الی رویتهم» سوال کردم یا علی آرزوی دیدن چه کسی را داری؟ فرمود آن

کسانی که آخرالزمان می آیند و در ثواب شمشیر زدن ما شریک اند. یعنی کسانی که حق را انتخاب می کنند. ما با احیای شعائر فاطمی می خواهیم بگوییم که شما باید از حق دفاع کنید، چه در گذشته و چه در آینده. در واقع اقامه شعائر فاطمی باید به احیای مرام فاطمی منتهی شود، چه در جنبه های فردی و چه در جنبه های اجتماعی و سیاسی.

وی ادامه داد: اما درگیری حق و باطل زمانی سخت می شود که باطل هم از جایگاه حق حرف باطل خود را می زند. امیرالمومنین فرمودند «کلمة حق يراد بها الباطل»، با کلمه حقی اراده باطلی را می شود. اتفاقا ظرافت شعائر فاطمی همین است که این را باید روشن کند.

ریاضت گفت: اسلام آمده که دنیای ما دینی شود نه اینکه دین ما دنیایی شود. ما انقلاب کردیم که نظام و اجتماع ما دینی شود اما اتفاقی که در حال رخ دادن است این است که دین ما در حال امروزی شدن است. چرا ما می گوییم خروجی شعائر فاطمی باید منجر به مرام فاطمی شود؟ به خاطر اینکه مرام فاطمی دنیای مرا در جنبه های مختلف با توجه به شرایط روز، دینی می کند.

وی ادامه داد: باید مرام فاطمی در شعائر فاطمی شناخته شود. مرام فاطمی در خطبه فدکیه است. تا زمانی که حضرت زهرا را از منظر خودمان تفسیر کنیم آن را دنیایی تفسیر خواهیم کرد، اما باید حضرت زهرا(س) را از زبان خودشان تعریف کنیم تا مرام ایشان را بفهمیم. از زمانی که جای قال الصادق و قال الباقر را قال مولوی و قال حافظ و قال خیاط و قال چلوئی و... گرفت کار خراب شد.

وی افزود: می خواهیم بگوییم مرام حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه جلوه کرده است. خدا حاج آقا مجتبی تهرانی را رحمت کند، می فرمود حضرت زهرا در زندگی آنچه را که عمل کرده است در خطبه فدکیه ایراد فرموده است. یعنی این خطبه خلاصه مرام حضرت زهرا در این ۱۸ سال است. به همه جنبه های مختلف دین در این خطبه پرداخته شده است. از حکمت عبادات گرفته تا مسائل اخلاقی و اعتقادی و معارف دین.

باید ببینیم این مرام چگونه مرامی است؟ امام زمان در مورد حضرت صدیقه می فرمایند «فی اینة رسول الله (ص) لی أسوة حسنة»، یعنی الگو و سرمشق من مادرم فاطمه است.